

در جستجوی معیارهای شکل دهنده شبکه فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران؛ نمونه موردی: اصفهان، دردشت

سحر اسمعیلیان* - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محمد رضا پورجعفر - استاد گروه طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

هماهنگی و پیوستگی میان اجزای فضا و فعالیت های آنها در بافت های تاریخی ایران سبب می شود که این شهرها در نظر ناظر به شکل یک کل منسجم از اجزا جلوه نمایند. از سوی دیگر، ارزش های فضایی این شهرها را توالی و توجه به کیفیت های کالبدی و بصری فضاهای شهری می سازند. در این شهرها ترکیب فضاهای شهری به شکل شبکه ای از فضاهای ایستا و پویا صورت می گیرد. این ترکیب در بافتهای تاریخی ایران، شبکه ای منسجم از فضاهای شهری را تشکیل می دهد که که استخوانبندی و ساختار فضایی بافت بر مبنای آن وجود می یابد. مقاله حاضر جستاری است در پی بیان جایگاه شبکه فضاهای شهری در ساختار شهرهای تاریخی ایران. در فرآیند پژوهش از روشهای مختلف تحقیق تاریخی، مقایسه و تحلیل محتوا و مطالعات کتابخانه ای جهت تکمیل ادبیات موضوع و سپس پژوهش نمونه موردی به صورت مطالعات میدانی در بافت تاریخی محله دردشت اصفهان این فرآیند را تکمیل می کند. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که ترکیب سه مفهوم معیارهای کالبدی، فعالیتی و هویتی مفاهیم پایه ای در شکل گیری این شبکه را در بر دارد. در طول زمان نیز این مفاهیم موجب استمرار عملکردی شبکه فضاهای شهری در ساختار بافت های تاریخی می باشد.

واژگان کلیدی: شبکه فضاهای شهری، ساختار شهر، فضاهای متوالی، اصفهان، دردشت.

Investigation of the performance of the Municipality in the framework of good municipal rule: a case study of Babolsar City

One-sided and subject-focus look will bring about many problems for a city; the only ways to meet these problems are public supervision (accountability) and cooperative action; these two ways can increase the level of efficiency. This study aimed at providing a comprehensive definition and analysis of the good municipal rule. Furthermore, this study was an attempt to present a set of indexes for developing good municipal rule in Iran, and to investigate these indexes in the municipal management of Babolsar city. When it came to the Research method and data collection tools of the study, descriptive survey method, analytic method and questionnaire were used. Hypotheses of the study were based on the fact that three factors, cooperation, accountability and efficiency, were in an inappropriate level in Babolsar City, and there was a significant difference between the educated people and other citizens of this city in terms of cooperation. Investigating these hypotheses, average level of cooperation and efficiency were -0.024 and -0.025 respectively. These numbers showed that the level of cooperation and efficiency were in a low level in Babolsar City. However, educated citizens showed more interest in cooperating with the municipality: the average level of cooperation was 0.05. As far as the accountability of the municipality was concerned, the citizens believed it was in an average level: the average level of accountability was 0.094. Our analysis showed that the main hypothesis of the study and also the secondary hypotheses of the study, except the hypothesis which considered the factor of accountability in a lower level, could be supported. To investigate the above mentioned hypotheses, ANOVA and LSD were used. 65 percent of the population of the study were men and the rest (35 percent) were women; all these participants were above the 18 years old and the average level of age was 38.8. Furthermore, an average of the participants had a degree higher than the diploma. Generally speaking, these participants were classified as follows: the educated people who lived in Babolsar, those who consulted to the Babolsar's municipality, and businessmen of Babolsar city. These participants were selected through simple random sampling and then were investigated.

Keywords: Population explosion, good municipal rule, public supervision, cooperative action, efficiency, effectiveness

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۷۹۳۲۸۳؛ رایانامه: sahar_esmaeilian@yahoo.com

این مقاله استخراج شده از پایان نامه کارشناسی ارشد سحر اسمعیلیان به راهنمایی دکتر محمد رضا پورجعفر می باشد.

مقدمه

استفاده از تفکر شبکه فضاهای شهری ساختاری منسجم از بافت یک شهر را شکل می دهد که در آن نه تنها پیوند و اتصال کالبدی فضاها مدنظر است؛ بلکه فعالیت ها نیز ارتباط می یابند که نتیجه آن کمک به ایجاد خوانایی، شکل گیری حس جهت یابی و یکپارچه سازی ساختار شهر است. در شهرهای تاریخی ایران این کلیت در قالب ترکیبی یکپارچه از فضاهای شهری شکل می یافته است که عناصر سازنده ساختار شهری (فضاهای شهری و مفاصل ارتباطی) در آن به عنوان مکان های مهم فعالیت و زندگی ساکنان نقش حیاتی داشته اند. شهرهای ایران علی رغم فشردگی کالبدی مبین ساخت فضایی ویژه ای هستند و آن پیوستگی مجموعه مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی است (توسلی، ۱۳۷۱، ص ۴۱). این نوشتار تلاش دارد با بررسی مفهوم شبکه فضاهای شهری در بافت تاریخی دردشت، در راستای کشف مولفه های اثرگذار بر شکل گیری این شبکه در آن بافت تاریخی گام بردارد. در این فرایند مقاله ابتدا نگاهی اجمالی جهت ساختن پایه های نظری بحث به مفهوم فضای شهری و جایگاه آن در ساختار شهرهای تاریخی ایران از دیدگاه صاحب نظران پرداخته و سپس بحث را با بررسی مفهوم شبکه فضاهای شهری به پایان می رساند و در ادامه به تحلیل نمونه موردی و کشف مولفه های موثر بر شکل گیری شبکه فضاهای شهری در بافت آن می پردازد.

اهداف، سوالات و روش پژوهش

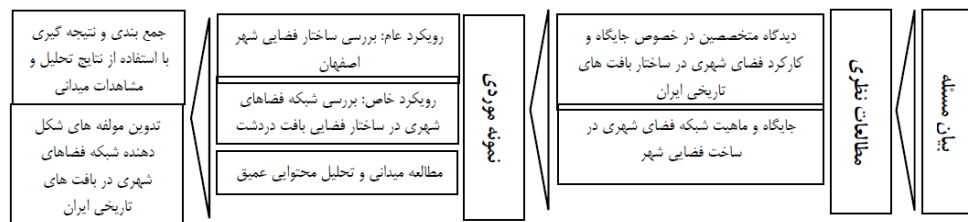
هدف اصلی این پژوهش دستیابی به معیارهای شکل

پیشینه تحقیق

هویت و کیفیت سیمای یک شهر از قواعد و اصولی

دهنده شبکه فضاهای شهری در ساختار فضایی شهرهای تاریخی ایران می باشد. لذا این پرسش اساسی مطرح می شود که شکل گیری و کارکرد شبکه فضاهای شهری در بافت های تاریخی چگونه و توسط چه مولفه هایی سازماندهی می شود؟

در پژوهش حاضر ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه ای، چارچوب نظری مقاله تکمیل می شود و در ادامه تحلیل نمونه موردی از طریق استفاده از نتایج حاصل از مبانی نظری و بررسی های میدانی جهت یافتن عناصر شکل دهنده شبکه فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران در محله دردشت اصفهان به عنوان مورد پژوهی به بوته آزمایش گذاشته می شود. واضح است که شهر اصفهان را میتوان از جمله شهرها سرآمدی در ایران دانست که درعهد صفوی بر پایه اصول و نظام فکری اندیشیده شده ای شکل گرفته است. محله در دشت نیز از جمله محلات تاریخی شهر اصفهان است که تا به امروز ساختار فضایی خود را تا حدی حفظ نموده است و می تواند نمونه مناسبی جهت تحلیل یک تفکر نظام مند در شناخت ساختار کالبدی یک بافت تاریخی باشد. این تحقیق از نوع تحقیقات علمی- کاربردی است که علاوه بر استفاده از ابزار مطالعات کتابخانه ای و روشهای برداشت میدانی از روش تحقیق توصیفی و تحلیل محتوایی نیز در ادامه روند آن استفاده شده است.



نمودار ۱. فرآیند مقاله پژوهش؛ مأخذ: نگارندگان.

سرچشمه می گیرد که ساختار کالبدی آن بر مبنای آن اصول شکل گرفته و در طول صدها سال ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده است. شهر های سنتی را می توان به عنوان مجموعه هایی به هم پیوسته تلقی نمود که در یک نظام سلسبه مراتبی خاص شکل گرفته و به صورت منسجمی با یکدیگر پیوند خورده اند. در بهسازی یا مرمت می بایست ضمن توجه به کل، اصلاح اجزا را مورد نظر قرار داده و با حفظ هویت و اصول و ویژگی های سازمان مجموعه ها به اصلاح آنها پرداخت. به اعتقاد حبیبی نقش عناصر استخوانبندی محله در ترکیب کلی همانند نقش نت های موسیقی در یک دستگاه موسیقایی و یا نقش واژه ها در یک متن ادبی است. تاثیرات متفاوتی که از انواع مختلف ترکیب اجزا در موسیقی و یا در ادبیات حاصل می شود حیرت برانگیز است و این امر در مورد خلق فضاهای شهری در هر مقیاسی به ویژه مقیاس محله نیز شگفتی آور بوده و می تواند باشد (حبیبی، ۱۳۸۲، ص ۳۳). فضاهای عمومی شهری از اساسی ترین ارکان تشکیل دهنده استخوانبندی شهرهای تاریخی ایران به شمار می آیند که ترکیب و ارتباط میان آنها مجموعه ای یکپارچه با تاثیری متفاوت از اجزا را خلق می کند. در این میان توسلی عقیده دارد که پی بردن به معنی و مفهوم قواعد و معیارهای شکل دهنده ساختار کالبدی شهر و به کارگیری آن در عمل دشوارترین مرحله در کسب مهارت حرفه ای طراحی شهری می باشد (توسلی، ۱۳۸۲، ص ۳۳). از سوی دیگر ارتباط میان فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران مجموعه ای منسجم از شبکه فضاهای شهری را در بافت ایجاد می کرده است. با وجود نقش موثری که این شبکه در شکل گیری و تقویت ساختار فضایی بافت های تاریخی ایفا می کرده است؛ اما در ادبیات طراحی شهری کشورمان به خوبی مورد بررسی قرار نگرفته و عمده نوشتارهای موجود حول توصیف این مفهوم در قالب فضاهای متوالی پرداخته و جایگاه و نحوه شکل گیری آن در بافت های تاریخی ایران به درستی مورد کاوش قرار نگرفته است. لذا درک فرایند شکل گیری و عملکرد این شبکه با نفوذ در محتوا و کارکرد فضای شهری و جایگاه آن در بافت های تاریخی ایران در ترکیب با بستر کالبدی

و عملکردی آن محقق می شود.

مبانی نظری

فضای شهری^۱، جایگاه و کارکردهای آن در ساخت فضایی شهرهای تاریخی ایران در این بخش از مقاله به بررسی جایگاه فضای شهری در ساختار فضایی شهرهای تاریخی ایران و ماهیت و کارکردهای آن از دیدگاه صاحب نظران حرفه شهرسازی می پردازیم. به طور کلی در باب اینکه فضای شهری چیست؟، اندیشمندان حرفه طراحی شهری نظریات گوناگونی ارائه داده اند که همه در یک مورد یکسان می باشد که فضای شهری را فضایی عمومی می دانند که همه به آن دسترسی داشته و جهت انجام تعاملات اجتماعی و رخداد زندگی شهری سازماندهی می شود. در این باب نیز زوکر تعریفی واضح و روشن از فضای شهری ارائه می دهد که در آن فضای شهری را ساختاری می داند سازمان یافته و واجد نظم که به صورت کالبدی برای فعالیت های انسانی و بر قواعد معین و روشنی استوار است.

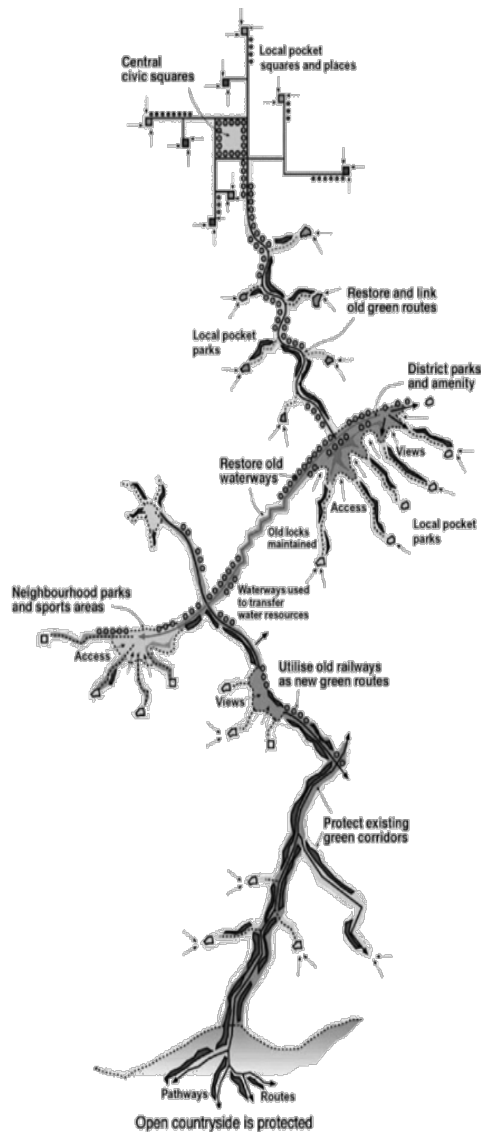
در ایران نیز عرصه های عمومی و خصوصی شهرهای تاریخی ایران در متن شهر نمود می یابند. اما برخلاف آنچه امروزه آن را فضای شهری می نامیم، در بافت سنتی ایران به دلیل شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه فضای شهری در یک بافت سنتی تنها بخشی از روابط حاکم بر عرصه های عمومی را در بر می گرفت. از مطالعه بافت های تاریخی ایران نیز چنین بر می آید که گاه جلوخان ورودی های مکان های مهم شهری، همچون مساجد و بازارها نیز به عنوان جزیی از فضاهای عمومی شهری مطرح بوده اند. از آن جمله می توان به سبزه میدان که در مدخل ورودی بازار شهر تهران شکل گرفته است اشاره کرد. همچنین محل تلاقی گذرهای داخل محله میدانچه ها و مراکز محلات که کاربری های خاص تجاری و خدماتی مردم محله از قبیل آب انبار مسجد، حسینییه یا تکیه و سقاخانه و سایر کاربری های مورد نیاز در کنار آنها شکل می گرفته اند.

در جدول شماره ۱ سعی شده به صورت خلاصه و مفید

به نظریات متخصصین در خصوص نوع و چگونگی تبلور فضای شهری در بافت های تاریخی ایران پرداخته شود. در بخش گونه فضایی به انواع فضای شهری که در بافت های تاریخی کارکرد داشته اند، پرداخته شده و ستون مربوط به تبلور کالبدی به چگونگی ترکیب فضاها جهت تشکیل ساختار فضایی بافت از دیدگاه کارشناسان اشاره می کند. بخش آخر جدول نیز به بیان نقشی که هر نوع از فضای شهری در استخوانبندی بافت ایفا می کرده اند، می پردازد و از دیدگاه ماهیت عملکردی اجزای بافت، فضای شهری را معرفی می کند.

جدول ۱. دیدگاه متخصصین به ماهیت و چگونگی فضای شهری در بافت های تاریخی ایران؛ ماخذ: نگارندگان.

صاحب نظران	گونه فضایی	تبلور کالبدی	ماهیت و کارکرد
سلطان زاده	راه و میدان	- تنوع در سلسله مراتب فضایی	- فعالیت های متفاوت به لحاظ کارکردی در سلسله مراتب فضایی متغیر است.
توسلی	میدان خیابان تکیه حسینیه بازار	- جزیی جداناپذیر از ساخت فضایی شهر - هماهنگ و واجد نظم - سازمان یافته از طریق ارزش های بصری	- ترکیبی از فعالیت، بناهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، اداری و تجاری
صفامنش	راه و میدان	- گشایش های کوچک و بزرگ در مسیر معابر - ترجیح و تنوع ارگانیک - توجه به غلظت بدنه سازی ها و معماری فضا	یک - توجه به غلظت بدنه سازی ها و معماری فضا
نقی زاده	راه و میدان	- تنوع در سلسله مراتب فضایی - معابر کمتر محل اطراق بوده و بیشتر جهت رفت و آمد مورد استفاده قرار می گرفته اند	- برحسب نوع سلسله مراتب فضایی کارکرد ویژه می یافته اند. - بن بست ها اغلب فضای اجتماع کودکان و زنان بوده است. - میدان ها محل پاتوق های محلی بوده اند. - هر نوع فعالیت و عملکردی بنا به وسعت و شکل و ماهیت تناسبات و ابعاد خاصی را برای فضای شهری تعریف می کرد. - رعایت مقیاس انسانی در هر دو بعد حرکت و فعالیت
پورجعفر	فضاهای توقف فضاهای تردد	- فضاهای ارتباطی - فضاهای دارای ارزش تاریخی و باستانی - کوچه و گذرها - رعایت نظام و سلسله مراتب - تناسب طول، عرض و ارتفاع در طراحی فضا - ساختار ارگانیک بافت که از ترکیب فضاها حاصل می شده است.	- القا حس امنیت به دلیل ساختار کالبدی - فضایی بافت - هدایت و کنترل رفتارهای جاری در بافت از طریق نظام سلسله مراتب



شبکه فضاهای شهری^۲

آنچه در بحث پیشین به آن پرداخته شد به شکل واضح بیان می کند که در ساخت فضایی شهرها، همواره دو گونه از فضای شهری، فضاهای شهری پویا که همان فضاهای ارتباطی می باشند و فضاهای شهری ایستا که در قالب گره ها و میدان ها تبلور کالبدی می یابند مطرح بوده اند اما آنچه نیاز است به آن پرداخته شود نحوه ترکیب این فضاها در شکل دهی به استخوانبندی بافت می باشد.

در سال ۱۹۹۹ راجرز در کتابی تحت عنوان «به سوی یک رنسانس شهری» مجموعه گزارشات خود را در قالب کتابی از تجربیات در هنگام حضور در نیروی ویژه مسایل شهری که توسط دولت بریتانیا در برایتون انگلیس برپا شده بود اعلام کرد او در این گزارش اشاره می کند که در سیستم های امروزی شهرها و نحوه توسعه آنها باید به چالش هایی جهت ایجاد دسترسی های مناسب تر به فضاهای عمومی شهری اندیشید که او رسیدن این هدف را در خلق مکان های زیبای هنری در قالب شبکه ای به هم پیوسته از فضاهای باز شهری می داند. ضمناً که اشاره ای می کند به شکل و فرم مناسب یک شهر و آن را شهری معرفی میکند که الگوی شکل گیری آن شامل فضاهایی است که در یک کلیت منسجم و سازمان یافته با هم اتصال یافته اند، او این فضاهای اتصال را نه تنها فضاهای اتصال دهنده بخش های عمومی در محلات و در سطح شهر معرفی می کند بلکه آن را مکان هایی میداند که در سطح شهر وظیفه اتصال محل های زندگی، کار و تفریح جوامع را برعهده دارد. از دید او بهترین شهرها حول یک الگوی ارتباطی مناسب از خیابان ها و فضاهای عمومی طراحی می شوند. او عقیده دارد که برای به دست آوردن شهری منسجم باید به مسئله تئوری شبکه فضاهای عمومی شهری به عنوان بخشی حیاتی در منظر شهر نگاه کرد و برای آن اساسی اندیشید که توجه به نوع، نحوه چیدمان و نقش فضاها در آن دارد (Rogers, 1999). تصویر زیر الگویی است که راجرز از شبکه فضاهای شهری در کتاب خود ارائه می دهد.

همانطور که در تصویر نیز قابل رویت است شبکه ای که راجرز به آن اشاره می کند بر پایه ترکیب گره های شهری و فضاهای ارتباطی که آنها را به یکدیگر متصل می کند تشکیل شده است. اجزای این شبکه نیز در طول حرکت خود بنا بر مقیاس عملکرد خود سلسله مراتب متفاوتی دارند.

از ویژگی های مهم یک بافت شهری ارتباط میان اجزا و عناصر آن است که ترانسپیک این بحث را اینگونه مطرح می کند که نظریه ارتباط (بهم پیوستگی) فضاهای عمومی از یک مجموعه مسیرهایی منتج می شود که وظیفه ارتباط دادن فضاهای شهری و ایجاد فضاهای متوالی قالب فضاهای متوالی را برعهده دارد، این مسیرها

در قالب خیابان ها، مسیرهای پیاده، فضاهای باز خطی و یا دیگر عناصر ارتباطی که بخش های مختلف شهر را به هم متصل می نماید شکل می گیرند، به طوریکه عناصر منفرد شهری تبدیل به یک استخوانبندی منسجم در یک سیستم و قالب سلسله مراتبی می شود. در این تعریف او به سیستمی اشاره دارد از اتصال و پیوند فضاها و عناصرشکل گرفته که در نهایت خود به ساختاری مبدل می شود، که در آن حرکت و کارایی مورد نظر است و فعالیت ها ارتباط پیدا می کند (Transic, ۱۹۸۶: ۹۸)

استفاده از تفکر شبکه فضاهای عمومی در طراحی در مقیاس شهر، یک محله یا منطقه شهری سبب ایجاد خوانایی و توانایی حس ادراک و جهت یابی فضاهای شهری شده که نتیجه آن یکپارچه سازی ساختار شهر و محله شهری است و در نهایت منجر به تقویت مناطق شهری خواهد شد که می توان گفت چنین شبکه ای در طراحی و برنامه ریزی شهری به علت ایجاد انسجام و تقویت بافت می تواند شاهد رشد و ترقی حیات اقتصادی اجتماعی شهر که از جمله نقش های زندگی شهری می باشد. در این فرآیند آنچه سبب پدید آمدن انسجام در بافت شهری است فضاهایی ارتباطی هستند که فضاهای عمومی شهری را به هم مرتبط می کنند که از آن به عنوان مکان های تبلور تمامی تلاش های جامعه مدنی در قالب قلب فیزیکی و معنوی شهر و گره های اجتماعی

و مکان های وقوع فعالیت های فرهنگی یاد می کنند. ورودی شهرها، بلوارها، خیابان ها، بازارهای سرپوشیده و سرباز شهری، پارک ها و میداين و حتی فضاهای بازی در سطح محلات به عنوان اجزای تشکیل دهنده شبکه فضاهای شهری با هدف تشکیل شبکه فضاهای عمومی در گستره شهری شناخته می شوند. (Hepcan et al, ۲۰۰۶: ۳۸۳)

بارتون شبکه فضاهای شهری را با نگاهی به بافت شهرهای سنتی مطرح می کند که در شهرهای سنتی، فضاهای شهری با توجه به نیازها و نقشی که از آنها انتظار می رفته است در اشکال متفاوتی دیده می شده اند، اما نکته قابل توجه این است که این فضاها در کنار بخش مکملشان یعنی همان فضاهای ارتباطی بوده است با در نظر گرفتن نیازهای عابر پیاده چنان طراحی می شده اند که در چشم انداز شهر به صورتی یکپارچه و منسجم به نظر برسند. (Barton, ۱۹۹۰: ۵۹)

تصویر زیر از شهر ونیز بخشی از بافت ارگانیک شهر را نشان می دهد که در آن ساختار فضایی شهر بر پایه ترکیبی از فضاهای متوالی در قالب شبکه ای از فضاهای شهری شکل گرفته است. آنچه تصویر از ترکیب فضاهای شهری به صورت میدان و خیابان به نمایش می گذارد، رعایت نظم و سلسله مراتب و تنوع فضایی در ترکیب فضاهایی است که منجر به شکل گیری شبکه می باشد.



تصویر ۲. شبکه فضاهای شهری در شهر ونیز،

مأخذ: Edmond .N. Bacon, Design of cities, Great Britain, ۱۹۷۴

۱۰۲-۱۰۳

در بافت های تاریخی ایران نیز انسجام و پیوستگی میان فضاهای شاخص شهری در یک بافت حس پیوستگی و توالی را در ناظر به وجود آورده که با حرکت در بافت قابل درک است. اما نکته مهم اینجاست که ترکیب کالبدی فضاها در ایران ضمن آنکه متأثر از عوامل اقلیمی و یا نیاز های ساکنان بوده، از عوامل فرهنگی نیز تبعیت می کرده است. در این رابطه توسلی اشاره می کند که شهرهای ایران علی رغم فشردگی کالبدی مبین ساخت فضایی ویژه ای هستند و آن پیوستگی مجموعه مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی است (توسلی، ۱۳۷۱، ص ۴۱).

آنچه در خصوص ساختار فضایی شهرهای ایران می توان به عمومیت به آن اشاره داشت حاکی از این واقعیت است که در تاریخ ایران مهمترین فضای شهری حول دو عنصر مذهب و تجارت شکل می گیرد. بازار در تاریخ ایران به عنوان یکی از عناصر ساخت اصلی شهر مطرح بوده است و خود دارای یک ساختار درونی نظم یافته و یک سیستم اداری منسجم بوده است. بازارهای ایران که معمولاً به صورت راسته بوده اند در عمده موارد در یک پیوستگی با فضاهای عمومی شهری طراحی می شده اند. بازار اصفهان در اتصال با میدان کهنه و میدان نقش جهان نمونه بارز این مطلب است.

شبکه فضاهای شهری در ایران به سبب ترکیب گذرها با رویدادهای فضایی مثل چهارسو و تقاطع ها و یا رویدادهای کارکردی چون جلو خان مسجد و مدرسه و یا شکل گیری فضاهای و میدانی شهری شکل می گرفته است و این در حالیست که ترسیم شبکه های ارتباطی بر اساس مقیاس حرکات انسانی و پیاده و در نهایت حرکت چارپایان و حیوانات اهلی طراحی می گردید در نتیجه شبکه های تودرتو، ارگانیک و با پیچ و خم بسیار شکل گرفته است. با این وجود سلسله مراتب دسترسی ها کاملاً رعایت می گردید. ساختار ارتباطی در محدوده بافت های قدیم شهری به فراخور شکل گیری تاریخی و عملکردهای گذشته و با در نظر داشتن مقیاس انسانی و به صورت ارگانیک شکل گرفته است. دسترسی های کوتاه و در مقیاس پیاده با نقش برجسته اجتماعی، پیچیدگی معابر

به تبع شرایط آب و هوایی و امنیت شهری از جمله ویژگی های بارز در ساختار شبکه ارتباطی محله های قدیمی است (حبیبی، ۱۳۸۶، ص ۷۰). سلطان زاده عقیده دارد که از بررسی ساختار فضایی شهرهای ایران خصوصیات کالبدی میدان ها موید این مساله است که میدانها گاه در جایگاه مفاصل ارتباطی شهری علاوه بر نقش فضایی برای انجام فعالیت های مهم اجتماعی، کارکردی ارتباطی نیز داشته اند همانگونه که بازارها در کنار کارکرد ارتباطی خود دارای کارکردی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بودند. بنابراین همواره نوعی همجواری و همپیوندی که بر اساس الگوهای کمابیش معین استوار بود که ضمن دارا بودن نقش ارتباطی در شبکه راه های شهری بعضی از فضاهای مهم شهری مانند مسجد جامع جدید، عالی قاپو و بازار در پیوند با آن ساخته شده بودند. کند و کاو در پی بیان جایگاه و چگونگی وجود شبکه فضاهای شهری در بافتهای تاریخی ایران توسلی را به این چالش می کشاند که ضمن پرداختن به ترکیب کالبدی فضاها عناصر دیگری چون موقعیت های بصری فضا نیز در این فرآیند دخیل بوده اند و او این مطلب را اینچنین شرح می دهد که ارتباط اجزا در ساختار فضایی بسیاری از شهرها و فضاهای تاریخی شهرهای غربی تحلیل گران فضاهای شهری را به نتایج جالبی رهنمون بوده است. برای نمونه اگر خیابانی را در نظر بگیریم که از رشته ای از فضاهای ایستا و پویا تشکیل شده باشد ترکیب مجموعه باید به صورت یک کل منسجم جلوه کند. در اینجا هر فضایی با ید با فضای مجاور ارتباط داشته باشد. این ارتباط ممکن است از نظر تقابل فضاها باشد یا تفاوت آنها برحسب تناسب و ترکیب و مصالح و مانند آنها در هر حال گیرایی و کشش بصری با حرکت از فضایی به فضای دیگر افزایش می یابد. در شهرهای تاریخی ایران ارتباط، شکلی خواناتر به خود گرفته و بر پیوند روشنتر مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی به مثابه عناصر پیوند دهنده استوار شده است. این ویژگی نه تنها در کل ساخت شهر بلکه در اجزا آن یعنی مراکز محلات نیز آشکار است. گوهر ساختار شهر و اجزا آن مبتنی بر وحدت شکلی بوده به گونه ای که میان عناصر مجموعه از مسجد و مدرسه

و مرقد گرفته تا بازار و بازارچه و تیمچه، حسینیه و تکیه صورتی از پیوستگی و ارتباط فضایی وجود داشته است (توسلی، ۱۳۸۲، ص ۳۷).

نهایتاً آنچه به عنوان جمع بندی ادبیات موضوع از چارچوب نظری مقاله می توان نتیجه گرفت این مطلب را بیان می کند که ساخت فضایی شهرهای تاریخی ایران همواره بر پایه ترکیب دو گونه از فضای شهری ایستا و پویا استوار بوده است اما نکته مهم اینجاست که این فضاها در ساختار کالبدی بافت هرگز به شکلی جداگانه و فارغ از یکدیگر کارکرد نداشته اند و هر بخش در ارتباط با عنصر بعدی بوده که معنا می یافته و سبب تحکیم ساختار فضایی بافت شهری می شده است که کلیت آن به صورت شبکه فضاهای شهری در استخوانبندی بافت نمود و تجسم می یافته است. آنچه در ارتباط با مفاهیم فضای شهری و شبکه فضاهای شهری در باف های تاریخی ایران مطرح شد، زمینه لازم جهت ورود به نمونه موردی و جهت تحلیل و ورود عملی به موضوع را فراهم می آورد که در بخش بعدی مقاله به آن می پردازیم.

نمونه موردی

ساختار بسیاری از شهرهای کهن ایرانی بر پیوند میان فضاهای شهری (مکانها و میادین عمومی) از طریق گذرهای اصلی و کوی ها (فضای شهری پویا) استوار بوده که تاکیدی است بر اهمیت و کارایی شبکه های فضاهای شهری در ساماندهی شهر و محلات. نقش عناصر استخوانبندی شهر در ترکیب کلی به گونه ای است که ارتباط میان اجزا که به شکل فضاهای شهری در مقیاس های مختلف عمل می کنند را فراهم ساخته و در نهایت فضاهای شهری را چه در قالب ایستا و چه به فرم پویا در یک کل واحد منسجم نموده و ساختار واحدی ایجاد کند که شبکه ای هدفمند از فضاهای شهری را شکل دهد که عابر را از مرکز فضا به پیرامون و از گره ها به محور منتقل نماید. به لحاظ عملکردی نیز این شبکه مجموعه ای از فعالیت های گوناگون را به صورت منسجمی در سطح شهر گرد هم آورده و حیات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی آن را در قالب الگوی منظم با ریت

خاصی شکل می دهند.

اصفهان^۳ از جمله شهرهایی است که در عموم دوره های تاریخی از شهرهای بزرگ و مشهور ایران به شمار می رفته است. اوج شکوه و رونق این شهر رادر عصر صفوی به شاه عباس اول نسبت می دهند. اوج شکوفایی شهر اصفهان در دوره صفوی تحت تاثیر بنیان های فکری و حکومتی بوده که از جهان بینی خاصی نشأت می گرفته است. در نهایت مجموعه این تفکرات منجر به شکل گیری، رشد و بالندگی مکتبی به نام مکتب اصفهان در شهرسازی گشته، لذا اصفهان عصر صفوی به عنوان نمونه موردی مقاله تحت پژوهش و بررسی قرار می گیرد که مطالعات انجام شده در این بخش در دو رویکرد مورد بررسی و باز بینی قرار می گیرد. رویکرد عام مقاله به بررسی کلیات شکل گیری شبکه فضاهای شهری در ساختار شهر اصفهان می پردازد. در ادامه رویکرد خاص مقاله ساختار فضایی و شبکه فضاهای شهری محله دردشت اصفهان را جهت تدوین معیار حاکم بر شکل گیری شبکه فضاهای شهری مورد بازبینی قرار می دهد.

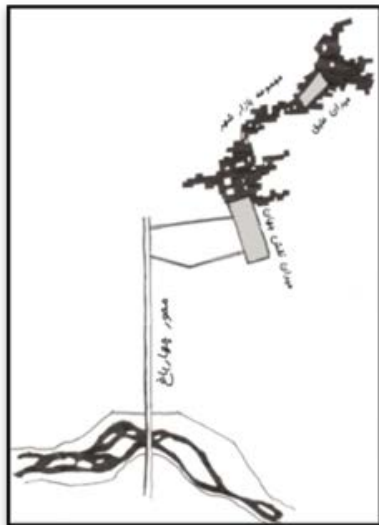
رویکرد عام

سازمان فضایی شهر اصفهان

استخوانبندی شهر اصفهان در عصر صفوی بر پایه دو محور شاخص عمود برهم که یکی رودخانه زاینده رود (عنصر طبیعی) و دیگری محور چهار باغ (عنصر انسان ساخت) شکل گرفته است. محور چهار باغ را می توان ستون فقرات اصلی شهر دانست که بقیه عناصر به نوعی از آن منشعب شده و در سطح شهر ادامه می یابند. پس از آن میدان نقش جهان در قالب فضای شهری ایستا به عنوان یکی از اصلی ترین گره های شهری خود را نشان می دهد که اصلی ترین محور مجموعه یعنی محور بازار از آن منشعب شده و ستون فقرات اصلی منطقه در عصر صفوی بر پایه آن طرح ریزی می شود. در ادامه تمامی محورهای شهری دیگر به نحوی از این محور اصلی منشعب یا به آن متصل می شوند. این محورهای ثانویه گذرهای اصلی پیوند ارگانیک بازار با محلات مسکونی در سطح منطقه را تامین نموده و مراکز شهری، منطقه ای و

محلّه ای در اطراف بازار و محورهای منشعب از آن شکل می گرفته است که ساختار سنتی و مراکز خدماتی منطقه را سازمان می داده اند. در این میان نیز محوربازار به واسطه آنکه در قالب یک مفصل شهری نیز ایفای نقش می کند، مجموعه نقش جهان را که میدان حکومتی شهر است به میدان کهنه (میدان عتیق) که در اصفهان عصر صفوی پس از نقش جهان به عنوان گره مهم دیگری در سطح شهر عملکرد دارد و در مقیاسی مردمی تری فعال است متصل مینماید. همچنین با کمک ادامه گذر اصلی و با استفاده از برخی فضاها (مفاصل ارتباطی، مراکز محلات و زیر محلّه ها) در قالب مجموعه ای سازمان یافته از ترکیب گذر اصلی و گذرهای فرعی با فضاهای مکث استخوانبندی محلات اطراف را شکل می گرفته است. همانطور که در تصویر شماره ۳ و ۴ نشان داده شده است شبکه ای از دسترسی ها از ستون فقرات منطقه منشعب گردیده و از درون محلات عبور می نماید که بر روی این گذرهای اصلی مراکز محلات شکل گرفته و در اطراف این مراکز محوطه های مسکونی استقرار می یابند و محلات مسکونی را به وجود می آورند که این سازمان شهری ضرورت استقرار محلات حول گذرهای اصلی را به صورت خطی و به دنبال هم فراهم می آورند و ارتباط این محلات با یکدیگر و با مرکز شهری، مجموعه بازار و میدان نقش جهان و میدان عتیق را تامین می نموده است؛ لذا قابل مشاهده است که ساختار شهر متشکل از شبکه ای از فضاهای ایستا و پویا است که در قالب شبکه فضایی شهری در سطح شهر گسترده شده که ناظر را در درک صحیح از فضا و دریافت حس جهت یابی هدایت می کرده است. در این ساختار هر فضا نیز متناسب با مقیاس و عملکردی که برای آن در نظر گرفته می شده است خدماتی آرایه می داده که با کالبد آن نیز متناسب بوده است. همچنین شکل گیری انواع فعالیت ها در این شبکه امکان وقوع فعالیت های اجتماعی را در دیگر سطوح افزایش می داده است که خود سبب افزایش اشتیاق ساکنان به حضور در این عرصه عمومی می شده و شبکه را به مکانی زنده جهت انجام تعاملات اجتماعی و مکان شکل گیری خاطرات جمعی تبدیل می کرده است.

آنچه در خصوص شکل کالبدی و نوع چیدمان فضاها در شبکه فضاهای شهری در این بافت حایز اهمیت می باشد بیان کننده این مطلب است که فضاها به گونه ای از پی هم پدیدار می شده اند که عابر فضاهای متفاوت و قابل تمایز از یکدیگر را به عنوان فضاهای متوالی و مرتبط با هم ادراک می کرده است.



تصویر ۳. نقشه ساختار فضایی اصفهان؛ ماخذ نگارندگان



تصویر ۴. نقشه ساختار فضایی اصفهان؛ ماخذ: نقشه سیدرضا خان، ۱۳۰۲ هجری شمسی

رویکرد خاص

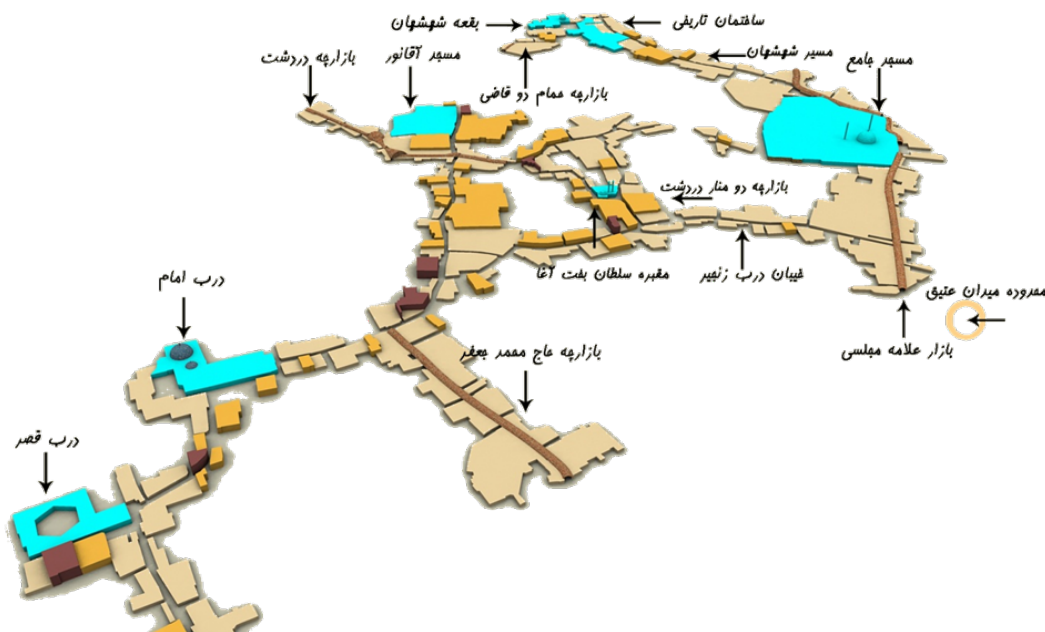
که به مسجد جامع می رسیده اند با میدان عتیق ارتباط کالبدی داشته و تا قبل از خیابان کشی های پهلوی اول بازارچه اصلی آن، جزیی انتهایی از بازار اصفهان محسوب می شده است.

شبکه فضاهای شهری در این محله شامل تعدادی گره شهری در هم جوارى بناها و مکان های مهم در سطح محله و مسیرهای اتصالی میان آنها است از جمله گره شهشاه که مقابل حسینیه شهشهان است، فضای درب امام، دو منار دردشت و مکان های مهم از جمله مسجد جامع در ارتباط با میدان کهنه (عتیق)، درب قصر و درب امام و محورهای مهم ارتباطی و کانونی همچون بازارچه دردشت و بازارچه حاج محمد جعفر، خیابان درب زنجیر، بازارچه دومنار دردشت، بازار علامه مجلسی که ادامه بازار اصفهان است، خیابان درب امام، خیابان شهشهان، مسیر اتصالی درب امام و بازارچه دردشت و اتصال دومنار درشت با بازارچه دردشت و مسجد جامع استوار می باشد. همان طور که در تصویر مشاهده می شود شکل گیری این شبکه در قالب فضاهای متوالی^۵ (ترکیب فضاهای

این بخش از مقاله با کمک مطالبی که در قسمت های قبلی مقاله ذکر شد به تحلیل شبکه فضاهای شهری در ساختار فضایی محله دردشت اصفهان می پردازد. هدف این است که با تحلیل نتایج حاصل از مطالعات کتبخانه ای و حضور میدانی در سایت، معیارهای شکل دهنده شبکه فضاهای شهری در این بافت تاریخی را شناسایی کنیم.

محله دردشت اصفهان^۴

محله دردشت اصفهان از محلات تاریخی شهر به شمار می رود که هسته اولیه آن در عهد سلجوقی شکل گرفته و در زمان صفویه تکمیل گشته است، با اینکه امروزه توجه چندانی به آن نمی شود اما همچنان تا حدی ساختار خود را حفظ کرده و به حیات خویش ادامه میدهد. این محله در منطقه ۳ اصفهان و در بخش شمال شرقی شهر واقع شده است. این محله تا مدت ها از طریق گذرهای



تصویر ۵. مدل سه بعدی شبکه فضاهای شهری در استخوانبندی محله دردشت اصفهان؛ ماخذ: نگارندگان.

جدول ۲. فضاهای شهری (ایستا) موجود در محله دردشت؛ ماخذ: نگارندگان.

گونه شناسی فضا	نام فضا	ویژگی ها
فضای مکت عبادتگاه	درب امام	ارزش تاریخی و نمادین، کاربری مذهبی، فضای برگزاری مراسم عاشورا، نشانه محله ای، محل بازی کودکان در حیاط پشتی، ورودی از کوچه ها به داخل صحن
فضای مکت	درب قصر	عنصر تاریخی و نمادین، محل کارگاه ها، نشانه محله های
میدانچه	سلطان بخت آغا (دومنار دردشت)	ارزش تاریخی و نمادین، فضای مکت محله ای، واحدهای تجاری، فضای عمومی، عنصر نمادین مقبره سلطان بخت آغا
میدان	عتیق (کهنه)	ارزش نمادین و تاریخی، فضای عمومی، حرکت غالب پیاده
عبادتگاه	مسجد جامع	ارزش نمادین و تاریخی، فضای عمومی، نشانه شهری، همجوار بازار تاریخی علامه، راه به حیاط از کوچه ها
میدانچه	حسینیه شهشهان	ارزش نمادین و تاریخی، فضای مکت اما در ساعاتی از روز تبدیل شدن به پارکینگ، در روزهای مذهبی همزمان با حسینیه فعالیت دارد.

جدول ۳. فضاهای شهری (پویا) موجود در محله دردشت؛ ماخذ: نگارندگان.

گونه شناسی فضا	نام فضا	ویژگی ها
بازار	بازارچه دردشت	عنصر نمادین و تاریخی، در استخوانبندی شهر اصفهان ادامه بازار اصلی بوده است که به داخل محلات راه داشته، فضای پویای شهری، کاربری مرکز محله ای، ورودی خوانا به محله، بدنه منحصر به فرد
بازار	بازارچه حاج محمد جعفر	عنصر نمادین و تاریخی، در استخوانبندی شهر اصفهان ادامه بازار اصلی بوده است که به داخل محلات راه داشته، فضای پویای شهری، کاربری مرکز محله ای، ورودی خوانا به محله، بدنه منحصر به فرد
بازار	بازار علامه مجلسی	عنصر نمادین و تاریخی، در استخوانبندی شهر اصفهان جزئی بازار اصلی بوده است که در خیابان کشیهای اخیر قطع شده است، فضای پویای شهری، فعالیت در مقیاس شهر، همجواری با مسجد جامع
بازارچه	دوقاضی	دردست احداث
مسیر ارتباطی	خیابان درب زنجیر	مسیر تاریخی، موجود در نقشه سید رضا خان و جزئی اساسی در استخوانبندی محله، قابلیت بدنه سازی منسجم و تبدیل شدن به مسیر اصلی
مسیر ارتباطی	خیابان درب امام	اتصل درب زنجیر به درب امام و اتصال درب امام به درب زنجیر و از آنجا اتصال به بازارچه حاج محمد جعفر و بازارچه دردشت، باقی مانده از استخوانبندی تاریخی محله

شهری ایستا و پویا) این مطلب رایبان می دارد که هر قسمت از آن به عنوان فضا یا عنصر سازنده مجموعه به مثابه فضایی مستقل و کامل با ویژگی های کالبدی و کیفیت بصری خاص ولی مرتبط با دیگر فضاها طراحی شده است. از دلایل ارتقای هویت و کیفیت در ساختار محله های تاریخی ایران را می توان توجه به نحوه ترکیب فضاها با یکدیگر و پرداختن به جزییات طراحی در ایجاد

ارتباط میان این فضاها و تشکیل مجموعه ای منسجم به صورت شبکه فضاهای شهری دانست. در ادامه مقاله به شبکه فضاهای شهری و شکل دهی به آن می پردازیم.

اصل سلسله مراتب فضایی

از ویژگی های مهم بافت تاریخی اصفهان نظم ارگانیک راه ها و وجود سلسله مراتب فضایی از بزرگترین تا

اصل وحدت در ترکیب

شبکه فضاهای شهری مجموعه ای متشکل از عناصر ثابتی با ساختاری متشکل از فضاهای پویا و ایستا است که آن را به شکل گره ها و مسیرهای حرکت می شناسیم که هر عنصر در این مجموعه می تواند قبل یا بعد از عنصر دیگر قرار گیرد و امکان ترکیب های متفاوت از عناصر مشخص را ایجاد کند. در علم طراحی شهری علاوه بر نوع ترکیب گره ها و مسیرها جهت شکل دهی به ساختار بافت جهت ایجاد وحدت در ترکیب به عواملی چون به کارگیری مصالح مرتبط با اقلیم و بافت، استفاده از مدول های مشخص در طراحی جداره ها و تکرار موزون آن در ترکیب یک جداره و همچنین طراحی کفسازی فضاها به گونه ای که فضاها را در ارتباط با یکدیگر جلوه دهد و یا توجه به محصوریت فضا که در غالب بافت ها تاریخی به جز در مناطق گرم و مرطوب مانند شهر بوشهر در اکثر اقلیم ها در ایران محصوریت گره ها نسبتی حدود ۱ به ۳ و در بن بست ها و کوی ها ۱ به ۱ و معابر اصلی تر ۱ به ۲ طراحی شده اند. در این بافت ترکیب نظم ارگانیک راه ها با نظم هندسی میدین و تعریف نقطه آغاز و پایان در امتداد گذرهای اصلی به شکل متنوع و تعریف نقش کارکردی ویژه و تاثیرپذیری تناسبات کالبدی هر جز با کارکرد آن سبب ایجاد ریتمی موزون و تکرار آن در بخش هایی از ساختار این شبکه توانسته کلی یکپارچه را نهایتاً به ذهن عابر متذکر می شود.

اصل پیوستگی در ترکیب فضاهای شهری

آنچه از کلیت در قالب یک ساختار منسجم، یک محله، یک بافت شهری و یک شهر در ناظر به وجود می آید، فقط نتیجه تجمعی اتفاقی نیست که بین اجزای آن کل وجود دارد، بلکه کلیت منسجم، چیزی بیش از مجموعه آن است.

(Jorg Kurtasthehk, ۲۰:۱۹۷۸)

در ترکیب فضاهای شهری پویا و ایستا در شکل دهی به شبکه فضاهای شهری تفکر غالب بر آن استوار است که هر فضای شهری در پی وصل به دیگر فضاها خود را بروز دهد. بحث در اینجا بر سر وجود سیستمی از اتصال

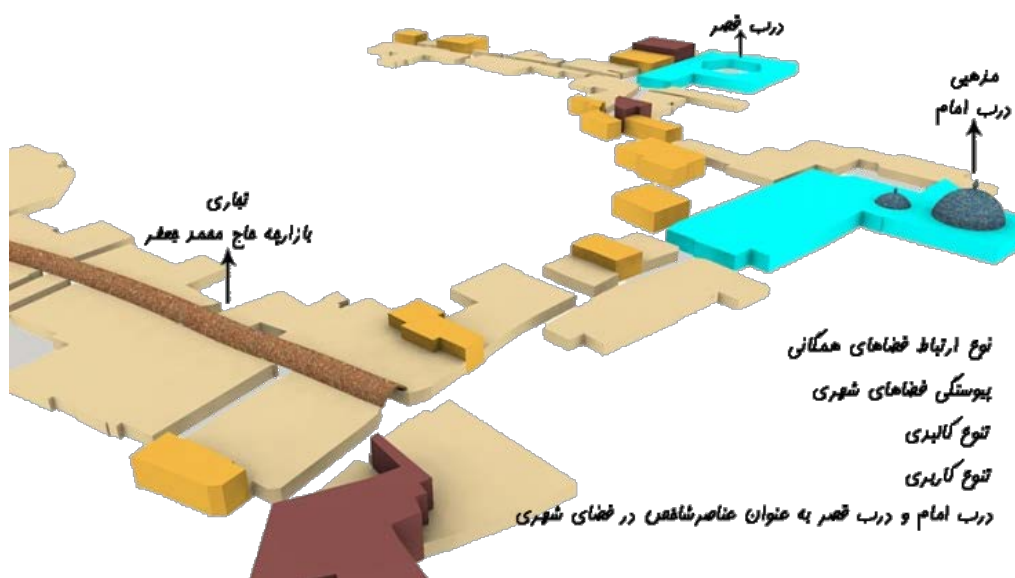


تصویر ۶. سلسله مراتب فضایی؛ ماخذ: نگارندگان.

کوچکترین مقیاس کالبدی است که از طریق برقراری ارتباطی حساب شده به شکل گذر از بن بست، کوی و گذر اصلی از عرصه عمومی تا عرصه های خصوصی تغییر مقیاس می دهد و فضاها را به گونه ای در ساختار اصلی شهر مکانیابی می کند که موجب هدایت و کنترل فعالیتهای و رفتارهای جاری در آن باشد. همانطور که در تصویر شماره ۶ دیده میشود بازار اصفهان در امتداد خود ضمن تغییر در کالبد و خدماتی که ارائه می داده، وارد محله جماله می شده است و گذر حاج محمدجعفر را شکل می داده که به عنوان مرکز محله خطی جماله به مردم محل خدمات رسانی می کرده است که البته اکنون این ارتباط توسط محور عبدالرزاق قطع شده است. بازارچه حاج محمدجعفر در سلسله مراتب فضایی در مرتبه ای پایین تر نسبت به بازار که محور اصلی شهر محسوب می شده قرار داشته است این گذر نیز در ضمن حرکت در محله به فضاهای خصوصی تری تا حد بن بست های محله منتهی می شود.

و پیوند فضاها و عناصر است که ساختاری را شکل می دهد که در آن حرکت و کارایی مدنظر است که در آن ضمن ارتباط کالبدی فعالیت ها نیز ارتباط پیدا می کنند به طریقی که به کمک این اصل می توان فضاهای منفرد را در یک کل واحد منسجم نمود و ساختاری واحد ایجاد کرد. این ارتباط از مقیاس بزرگ مانند اتصال هدفمند عناصر تشکیل دهنده استخوانبندی بافت تا در مقیاس های ریز و خرد طراحی مانند جداره سازی مثل جداره های متحد الشكل که در بازارها و بازارچه های بافت سنتی اصفهان با مدول مشخص تکرار می شوند و همچنین آجرکاری های جداره های خیابان های عمومی که غالباً توسط یک کاشی کاری فیروزه ای رنگ به هم مرتبط هستند، همچنین پیوستگی را در انتخاب و نوع به کارگیری مصالح، کفسازی و حتی ایجاد ارتباط میان عملکردهای هر فضا

مکت آنها به یکدیگر می شود. نمونه دیگر از این اصل را می توان در پیوند ارگانیک میدان ها با سایر فضاها و عناصر شهری دانست، خصوصیتی که میدان را تا تبدیل شدن به یک مفصل ارتباطی پیش می برد، در این فرآیند کیفیت ارتباطی فضای میدان ها با راه های انشعابی آن و وجود عناصر مفصلی یا فضاهای سرپوشیده گذار بین آنها سبب ایجاد وحدت و یکپارچگی در کل بافت مجموعه می شود. همچنین قرار گرفتن مساجد به عنوان عنصری اصلی از ساخت مجموعه مرکز شهر در مسیر گذر، بدین صورت که گذرهای اصلی و فرعی به آن راه دارند و حیاط مسجد در قالب یک فضای شهری عملکرد دارد مانند ورودی ها مختلف که از گذرهای اطراف به حیاط وسیع مسجد جامع اصفهان راه پیدا می کنند.



تصویر ۷. چگونگی ترکیب فضاهای پویا و ایستا در شبکه فضاهای شهری در ساختار فضایی محله دردشت؛ ماخذ: نگارندگان.

مقیاس انسانی

ترکیب شبکه راه ها و میادین در این بافت به گونه ای است که ناظر با گذر از آنها احساس ارتباط مناسب با آنها پیدا میکند و درجه محصوریت فضاها متناسب با میدان دید انسان اندازه و تناسب اوست که در نتیجه انسان می تواند با مشاهده همزمان فضا و بخشی از آسمان ادراک

می توان دید. شاید بتوان پیوستگی را حالتی از وحدت در طراحی شهری به شمار آورد. مانند مجموعه بازار که در کمال هماهنگی و یکپارچگی اجزای مسجد، مدرسه، تیمچه و قیصریه، میدان حمام کاروانسرا را در هیئت یک کل به خوبی نمایان می کند و سپس در ادامه حرکت و ایجاد گذرهای داخلی محلات موجب پیوستگی فضاهای

نیز توجه می شده است یعنی ترکیب عناصری با فرم و تناسبات متفاوت می تواند انتظامات فضایی مختلفی را به وجود آورد. به این صورت که با ایجاد تغییر و تنوع در هریک از دو عنصر راه و میدان مانند فرم، اندازه و درجه محصوریت و تناسبات فضایی آن و همچنین تغییر جهت راه ها، تنگ و گشاد نمودن آنها و تنظیم فعالیت ها و کاربری های حول یک فضا و تعیین میزان شلوغی یا خلوتی آن و همچنین ایجاد پرسپکتیوهای متنوع در طول مسیر می توان سبب ایجاد تنوع در شبکه فضاهای شهری شد.

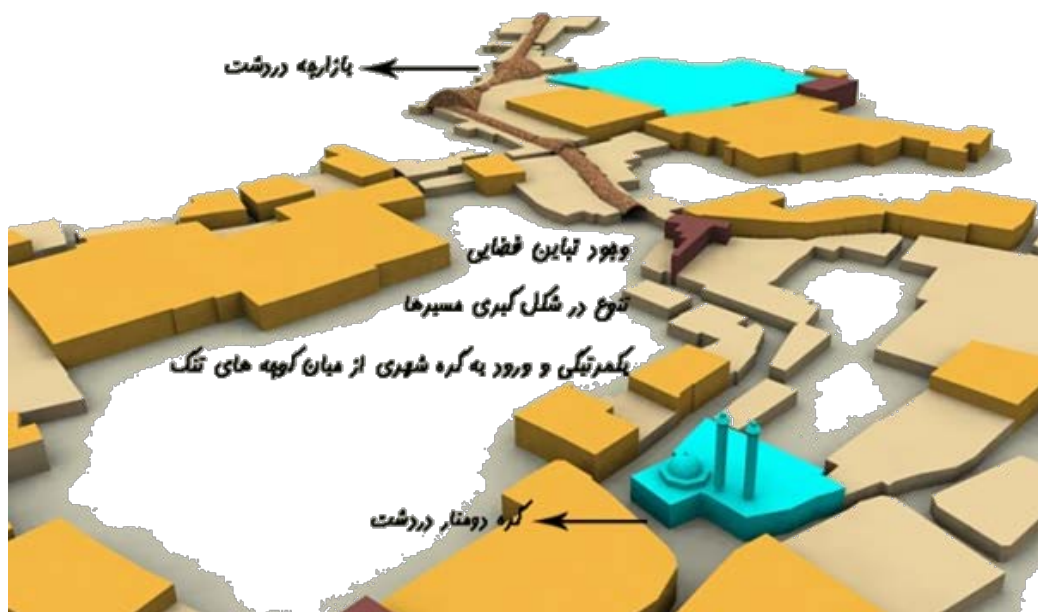
استفاده از تباين فضایی

ایجاد گوناگونی در ویژگی های کالبدی و کیفیت های بصری اجزا و عناصر شبکه فضاهای شهری در عین توجه

واضحی نسبت به کل فضا به دست آورد. همچنین فاصله میان هر فضای حرکت تا فضای مکث بعدی نیز متناسب با گام انسانی به عنوان مقیاس اندازه گیری و پایین بودن سرعت حرکت وی در نظر گرفته شده است.

یکمرتبیگی

به مفهوم تازگی یک عملکرد، فرم و کیفیت های بصری یا مفهوم فضاست. این ویژگی در فضاهای متوالی این بافت مشهود است، بدین ترتیب که پس از عبور از کوچه های باریک با نظم ارگانیک و بعضاً تاریک بدون پیش بینی و امکان رویت قبلی یکمرتبه وارد فضاهای بزرگ و با نظم هندسی می شویم. استفاده از این اصل در ایجاد تنوع و تغییرات ادراکی بیننده تاثیر می گذارد و گاه نیز هدف ایجاد حس غلبه بر فضا بر عابر پیاده نیز می تواند باشد.



تصویر ۸. حرکت در نظم ارگانیک راه ها و نظم هندسی کره، یکمرتبیگی، وجود تباين و تنوع فضایی فضایی در بافت؛ مأخذ: نگارندگان.

به حفظ ارتباط با فضاها و بافت مجموعه سبب ایجاد هویت و رهایی از یکنواختی شده که از آن با عنوان تباين فضایی یاد می کنیم. اصل تباين را می توان جزیی از فرآیند ایجاد تنوع در فضاهای شهری متوالی دانست؛ بنابراین تباين فضایی را از طریق ایجاد سایه و روشن در

ایجاد تنوع فضایی

در طراحی شبکه فضاهای شهری در بافت های تاریخی به این اصل که هرچه یک مسیر متنوع تر و به لحاظ ترکیبات کالبدی پیچیده تر باشد جالب تر به نظر می رسد

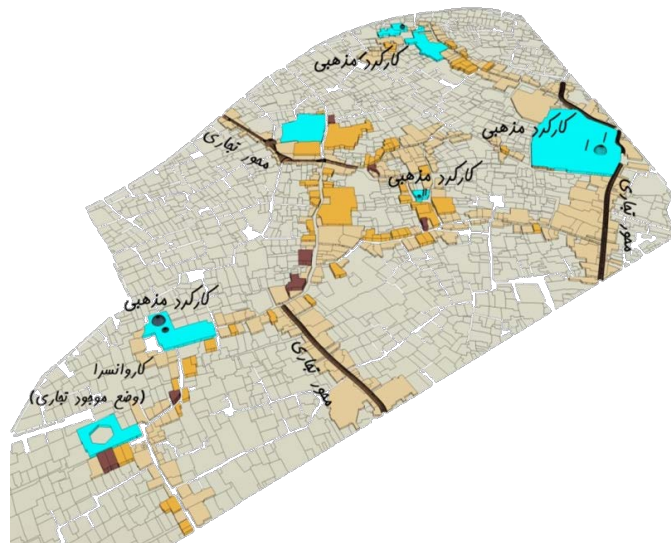
فضا به مفهوم بازی با نور و سایه یا سرپوشیده یا مسقف کردن برخی قسمت ها مانند استفاده از ساباط یا ایجاد فضاهای مسقف در نحوه اتصال راه به میدان در فضا برقرار نمود. همچنین در طراحی جداره های شهری نیز گاه جهت ایجاد تاکید بر یک فضا یا بخشی از جداره اصل تباین را در تغییر اندک سبک طراحی به کار می برند تا ضمن ایجاد تنوع و تاکید تضادی نیز با زمینه خود نداشته باشد.

ترکیب عملکردها جهت ایجاد هویت و حس مکان

شبکه فضاهای شهری علاوه بر شکل دهی به ساختار

فعالیت های اجتماعی به عنوان عامل ایجاد هویت و حس مکان در ساکنان شناخته می شود نیز می تواند به عنوان عامل ایجاد خوانایی و شکل گیری تصویر ذهنی مثبت از بافت هم موثر باشد.

مانند مجموعه درب امام که به عنوان یک فضای مذهبی شناخته شده در محله دردشت در قالب یک نشانه محله ای کاربرد داشته ضمن آنکه به دلیل گذر کوچه ها از میان مجموعه حیاط آن نیز به شکل یک فضای شهری نیز عملکرد دارد و خود مجموعه نیز به عنوان یک مکان مذهبی برای کلبه ساکنین شناخته شده است و مکان برگزاری مراسم خاص مانند عاشورا در محله می باشد.



تصویر ۱۰. تنظیم فعالیتهای در طول شبکه فضاهای شهری در بافت محله دردشت؛ مأخذ: نگارندگان.

نتیجه گیری و جمع بندی

یک مجموعه شهری را باید سازمان انتظام یافته ای تلقی نمود که استخوانبندی آن ترکیب هدفمندی از اجزا مختلف با مقیاس ها و عملکردهای متفاوت است؛ همانطور که در مقاله نیز به آن پرداخته شد این ساختار منظم با استقرار تضادفی چند فضا به وجود نمی آید، بلکه تمامیت خود را از ویژگی ها و اصول خاصی به دست می آورد، در نتیجه اگر نتوان تدابیر لازم را برای حفظ تمامیت و یکپارچگی آن اتخاذ نمود، می میرد و از بین می رود. نتایج پژوهش

بافت در مسیر حرکت خود مجموعه ای از عملکردهای گوناگون را نیز فراهم می آورد که تنظیم کاربری ها و فعالیت ها در طول شبکه به مفهوم تعریف شخصیت و کاربرد ویژه برای فضا و تعریف گروه استفاده کنندگان از آن مد نظر می باشد. همچنین در تعریف فعالیت ها در طول شبکه توجه به چگونگی ترکیب فرم و عملکرد هر یک از فضاها به صورت توجه بر انطباق گره ها و عملکردهای می توان سبب تبدیل یک گره به نشانه ای خاص در سطح محله شد که ضمن آنکه سبب افزایش

حاضر، از دو جهت قابل جمع بندی است: اول، شناسایی سه معیار اصلی ساختار کالبدی، ساختار فعالیتی و ساختار هویتی به عنوان مفاهیم کلیدی در شکل گیری شبکه فضاهای شهری در یک بافت تاریخی و معرفی معیارهای فرعی به عنوان اجزاء آنها که در جدول شماره چهار ارائه گردید؛ دوم: شناسایی اهمیتی که حضور و حفظ این شبکه در تداوم حیات بافت های تاریخی و تاثیرشان بر نحوه پاسخگویی به نیازهای ساکنین بافت دارد. در پاسخ به این پرسش که چه مؤلفه هایی می تواند در شکل گیری همانطور که در جدول نیز قابل مشاهده است توجه ساختار

جدول ۴. معیارهای شکل دهنده شبکه فضاهای شهری؛ مأخذ: نگارندگان.

معیار سنجش	عوامل مورد بررسی		معیارهای شکل دهنده شبکه فضاهای شهری
خوانایی، ادراک فضا	اصل سلسله مراتب فضایی اصل پیوستگی در ترکیب فضاهای شهری اصل وحدت در ترکیب مقیاس انسانی یکمرتبیگی ایجاد تنوع فضایی استفاده از تباین فضایی	نحوه ترکیب فضا	ساختار کالبدی
شبکه اجتماعی، سرزندگی، عامل مشوق حضور در فضا، گوناگونی	ترکیب عملکردها مقیاس فعالیت ها	ارایه خدمات تضمین زندگی اجتماعی	ساختار فعالیتی
انطباق فضاها و عملکردشان انطباق فضاها با نشانه ها نوع رویداد در مکانها	تصویر ذهنی حس مکان	معنادار شدن فضا تبدیل فضا به مکان	ساختار هویتی

شبکه فضاهای شهری در ساختار فضایی یک بافت تاریخی مؤثر باشد؟، باید گفت که بر طبق تصاویر، جداول و تحلیل‌های ارائه شده در نمونه موردی، وجود سه عامل کالبد، فعالیت و معنا و هویت از عوامل اساسی در شکل گیری شبکه فضاهای شهری و تبدیل آن به جزیی جدایی ناپذیر از استخوانبندی یک بافت می باشد. نکته اساسی در چگونگی نحوه ترکیب فضاها و ایجاد ارتباط میان هر فضا با فضای مجاور است که هر معیار به شکلی در ارتباط با معیار دیگر، در خلق این شبکه نقش داشته و عناصر استخوانبندی را سازمان می دهد. جدول شماره چهار به معرفی معیارها و اصولی که باید

کالبدی شبکه فضاهای شهری به عوامل مؤثر در نوع و چگونگی پیوند میان فضاهای ایستا و پویای در طول شبکه می پردازد، عواملی که مسبب شکل گیری یک ترکیب مناسب به عنوان فضاهای پیوسته متوالی می شود که از رعایت اصولی چون اصل پیوستگی در ترکیب فضاهای شهری، رعایت سلسله مراتب فضایی، مقیاس انسانی، اصل وحدت در ترکیب، یکمرتبیگی، استفاده از تباین و ایجاد تنوع فضایی پیروی می کند که نتیجه آن خوانایی بافت و امکان درک آسان است. نکته دیگر که در طراحی این شبکه باید در نظر گرفت توجه به نیازهای اجتماعی - خدماتی ساکنین بافت است

زمستان ۱۳۷۱

Jorg kurtasthehk der Architekt Grundlagen der Architekt Wahrnehmung Stuttgart 1987,20

Hepcan,serif , Kaplan Adnan,ozkan bu-lent, Public space networks as a guide to sustainable urban development and social life, International journal of sustainable development,2006

Rogers,R,The Urban landscape Task Force, 1999,Towards an urban renaissance

Ward Thompson,Catharine,Urban open space in 21st century, Land scape and urban planning,2002

Trancik,R,Finding lost space,Reinhold,1986

که با تنظیم فعالیت ها در طول شبکه در کنار توجه به مقیاس عملکرد هر فضا و نوع خدماتی که باید ارائه دهد، ساختار فعالیتی شبکه شکل می گیرد. هدف از تنظیم فعالیت ها در طول شبکه ایجاد سرزندگی و تشویق به حضور در فضا می باشد. آخرین بخش از معیارهای شکل دهنده به ساختار شبکه های فضاهای شهری به ساختار هویتی آن باز می گردد که در واقع باید برآیندی از هر دو ساختار کالبدی و فعالیتی شبکه باشد. هدف اصلی از این بخش ایجاد هویت برای فضاها، کمک به شکل گیری حس مکان در ساکنین و خلق تصویر ذهنی مناسب برای آنها در کنار معنا بخشیدن به هر جز این شبکه می باشد که نتیجه تبدیل شدن محله به مکانی برای زندگی و انجام تعاملات اجتماعی است. پژوهش حاضر می تواند مبنایی برای شناخت ساختار فضایی و کارکرد آن در بافت های تاریخی ایران باشد. شناخت این ساختار و کمک به حفظ تداوم حضور عناصر آن در بافت می تواند در ارتقای کیفیت سیمای بافت و پاسخگویی به نیازهای ساکنین موثر باشد. همچنین با کمک استفاده از این مفاهیم و شناخت معیارهای موثر در شکل گیری آن می توان در امر مدیریت شهری و دخالت در بافت های فرسوده تاریخی تحت عناوین مرمت، احیا و یا تغییر ساختار عملکردی و فیزیکی آن از مسیر درست وارد عمل شد.

پی نوشت

1. Urban place
2. Public space network

۳. جهت تحلیل نمونه موردی توجه به ساختار فضایی شهر اصفهان به دلیل اینکه بخش اصلی آن در زمان صفویه و تحت تاثیر مکتب شهرسازی اصفهان شکل گرفته و تاثیری که در بخش های داخلی نیز می گذارد مفید به نظر می آمده است.

۴. اطلاعات این بخش با استفاده از مطالعات تاریخی و گزارش مهندین مشاور باوند در سال ۱۳۸۵ به دست آمده است.

5. Sequence spaces
6. Identity
7. Sense of place

منابع و ماخذ

پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸) مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، انتشارات پیام.
توسلی، محمود (۱۳۸۲) اصل ارتباط در طراحی شهری، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۴.
حبیبی، محسن (۱۳۸۲) چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوانبندی محله، هنرهای زیبا، شماره ۱۳.
حبیبی، محسن (۱۳۷۷) مکتب اصفهان در شهرسازی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۳
سلطان زاده، حسین (۱۳۷۰) فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران، تهران، نشر معماری و شهرسازی.
غفاری، علی (۱۳۷۱) مبانی طراحی فضاهای متوالی در معماری شهر، مجله صفا شماره ۶ و ۷، پاییز و



مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۳۱ بهار و تابستان ۹۲

No.31 Spring & Summer

■ ۸۲ ■